



«جری لوییس» کمدین، تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان سرشناس آمریکایی، به خاطر شوخی‌های خنده‌آور، ژست‌های بامزه و بیناد خیره‌اش معروف است. لوییس در طول مدت عمر حرفه‌ی خود جوایز متعددی را از جشنواره‌های فیلم کمدی آمریکا و فیلم ونیز، دوربین طلایی و اتحادیه‌ی منتقدان فیلم لس آنجلس از آن خود کرده است و در منطقه‌ی یادبود مشاهیر هالیوود دو ستاره برای خود دارد. او در حال حاضر در لاس وگاس و نوادا زندگی می‌کند. جری لوییس در سال ۱۹۴۶ با «دین مارتین» زوجی موفق تشکیل دادند. این دو در کنار برنامه‌های شبانه‌شان که بسیار محبوب مردم بود، در چندین فیلم کمدی ظاهر گشتند که از موفقیت بالایی برخوردار شدند. این گروه دو نفره ۱۰ سال بعد منحل گردید.

نگاهی به زندگی و آثار جری لوییس

جری لوییس، کمدین همیشه خندان

بازی صحنه‌ها را ببیند؛ بعد از آن بود که این شیوه یک روش استاندارد برای ضبط فیلم‌های هالیوود شد. از دیگر فیلم‌هایی که در آن‌ها لوییس هم بازیگر و هم کارگردان بود می‌توان به «مرد خانم‌ها»، «پسر پیغام‌رسان» و فیلم معروف «پروفسور دیوانه» اشاره کرد.

لوییس از سال ۱۹۶۶، یعنی وقتی ۴۰ سال داشت، دیگر آن جوان لاغر و چابک نبود او کندتر کار می‌کرد و بازی برایش سخت‌تر شده بود. از همان سال فروش فیلم‌های جری لوییس رو به کاهش نهاد تا جایی که شرکت فیلمسازی پارامونت پیکچرز احساس کرد دیگر به فیلم‌های کمدی او نیازی ندارد. از آن پس لوییس به فکر ساخت فیلم‌های شخصی افتاد. او در سال ۱۹۷۳ فیلم «اکران‌نشده» «روزی که دلک گریه کرد» را ساخت. این فیلم داستانی درام دارد که در اردوگاه نازی‌ها اتفاق می‌افتد. لوییس دلیل اکران نشدن فیلم را مشکلات در امور مالی ذکر کرد. ولی به‌تازگی در کتاب «مارتین و من» نوشته است که علت اصلی اکران نشدن آن فیلم این بود که خود از کارش راضی نبود. از فیلم‌های بعدی جری لوییس «کار سخت» (۱۹۸۱) به کارگردانی خودش، «سلطان کمدی» (۱۹۸۳) اثر «مارتین اسکورسزی» - که در آن با «رابرت دنیرو» همبازی بود - «رؤیای آریزونا» (۱۹۹۴) و آخرین کارش «استخوان‌های خندملر» (۱۹۹۵) هستند اما لوییس در اروپا محبوب باقی ماند. منتقدان اروپایی همواره او

کارگردانی «فرانک سیناترا» بار دیگر در کنار هم ظاهر شدند که بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت. جری لوییس در سال ۲۰۰۵ در کتاب «این و من، یک داستان عاشقانه» احساس خود را نسبت به همکار قدیمی‌اش دین مارتین اظهار کرد.

ستاره‌ی کمدی

پس از انحلال گروه مارتین و لوییس، جری در استودیو پارامونت پیکچرز به کار ادامه داد و یک ستاره‌ی کمدی بزرگ شد. نخستین فیلم سینمایی لوییس «مجرم ظریف» (۱۹۵۷) نام دارد. او بعد از آن در پنج فیلم سینمایی دیگر نیز ظاهر شد.

لوییس در دهه‌ی ۱۹۵۰ استعداد خود را در زمینه‌ی آوازخوانی به نمایش گذاشت و در این زمینه هم موفق گردید. آهنگ معروف او در آن زمان «فقط به تو بستگی دارد» نام داشت که در سال ۱۹۵۸ اجرا شد.

در سال ۱۹۶۰ جری لوییس در فیلم «پادو» بازی کرد؛ فیلمی که نخستین تجربه‌ی کاری‌اش در زمینه‌ی تهیه‌کنندگی و کارگردانی بود. لوییس این فیلم را در هتل فوتنتن بلو در میامی و با بودجه‌ی بسیار کم ساخت. او روزها در هتل فیلم بازی می‌کرد و شب‌ها در آن برنامه اجرا می‌نمود. لوییس برای ساخت فیلم پادو از دوربین‌های ویدیویی و مدار بسته استفاده می‌کرد تا بتواند در هنگام

مارتین و لوییس؛ زوج موفق هنری

جری لوییس شهرت اولیه‌ی خود را در کنار دین مارتین خواننده به دست آورد. گروه کمدی «مارتین و لوییس» با تعداد زیادی از نمایش‌های متنوع در دهه‌ی ۱۹۴۰ معروف شد. شاید شهرت و محبوبیت لوییس به این خاطر بود که بیش‌تر اوقات فی‌البداهه از کلمات و حالات خنده‌آور استفاده می‌کرد و زیاد پای‌بند متن نبود. در اواخر همین دهه آن دو با برنامه‌های شبانه‌شان کاملاً شناخته شدند. منتقدان اغلب قادر به توصیف حالات بی‌نظم و شلوغ آن‌ها نبودند و فقط به یک جمله بسنده می‌کردند: «مارتین آواز می‌خواند و لوییس دلک‌بازی درمی‌آورد»، ولی تماشاگران از انرژی و هیجان این گروه دو نفره لذت می‌بردند و همیشه برنامه‌ی آن‌ها را از تلویزیون و استودیو پارامونت پیکچرز دنبال می‌کردند. کم‌کم نقش مارتین در فیلمنامه‌ها کم‌رنگ شد و توجهات بیش‌تر به لوییس معطوف گردید، به طوری که یک بار look عکسی بزرگ از این زوج را در مجله چاپ کرد که در حقیقت تصویر لوییس را نشان می‌داد و تنها گوشه‌ی از صورت مارتین دیده می‌شد؛ این کار عملاً مارتین را از لوییس دور کرد و سرانجام در سال ۱۹۵۴ این زوج حرفه‌ی از یکدیگر جدا شدند اما پس از جلائی، هر دوی آن‌ها به شهرتی انفرادی دست یافتند. مارتین و لوییس در سال ۱۹۷۶ در فیلمی به



۱۹۹۲ است که به گفته‌ی جری، چراغ زندگی و هوای ریه‌های آن‌هاست. لویس در سال ۱۹۶۷، استاد دانشگاه کالیفرنیا جنوبی شد و سلسله سخنرانی‌هایش در آن دانشگاه در کتابی به نام «فیلمساز مطلق» به چاپ رسید. موضوعی که شاید کم‌تر کسی از آن اطلاع داشته باشد این است که لویس ۸ بار برنده‌ی جایزه‌ی بهترین کارگردان سال در اروپا شد.

«ژان لوک گنار» کارگردان فرانسوی درباره‌ی لویس می‌گوید: «جری لویس تنها کارگردان آمریکایی بوده که فیلم‌های مترقی ساخته است. او بسیار بهتر از چاپلین و کیتون است.»

وقتی نامزد دریافت جایزه‌ی صلح نوبل شد، مجری مراسم درباره‌ی او گفت: «جری لویس مردی برای تمام فصول، تمام مردم و تمام اعصار است و نام او در قلب میلیون‌ها نفر از مردم دنیا برابر با صلح، عشق و برادری است.»

جری لویس یک شعار همیشه دارد که برای مردم بسیار زیباست؛ او می‌گوید: «من فقط یک بار زندگی می‌کنم، بنابراین بگذارید هر خوبی که می‌توانم بکنم و هر محبتی که مایلم نسبت به دیگران ابراز دارم؛ بگذارید نه این احساس را سرکوب کنم و نه آن را به تأخیر بیندازم، چون دیگر به دنیا نخواهم آمد» ■

زندگی خصوصی

جری لویس در روز ۱۶ مارس سال ۱۹۲۶ در نوارک واقع در نیوجرسی چشم به جهان گشود. نام او را «جوزف لویج» یا بنا به قولی «ژروم لویج» گذاشتند. پدر و مادر او، «دنی و رائه لویس» هر دو به‌طور حرفه‌ای در زمینه‌ی هنر فعالیت می‌کردند؛ پدرش وارنر (نمایش متنوع همراه با ساز و آواز) اجرا می‌کرد و مادرش در رادیو پیانو می‌نواخت. وقتی جری فقط ۵ سال داشت در رادیو آواز خواند و وقتی ۱۵ ساله شد کاملاً به اجرای پانتومیم و برنامه‌های کمیک تسلط داشت. او کیت و شلوار گشاد و آویزانی را بر تن کرده و نمایش اجرا می‌کرد و با همین تجهیزات ساده همه را می‌خندانند. در آن زمان بود که مکس کولمن، همکار پیشکسوت پدرش، به وی توصیه کرد کار لویس را جدی بگیرد، چون حتماً موفق خواهد بود که البته همین‌طور هم شد و شهرت او جهانی گردید. لویس از سال ۱۹۴۲ بازی در نمایش‌های کمدی را آغاز کرد. او در سال ۱۹۴۴ با «بتی پالمر» ازدواج کرد و سی‌وشش سال با وی زندگی مشترک داشت. آن‌ها پنج پسر به نام‌های «گاری»، «زان»، اسکات، کریس و آنتونی» و هفت نوه و یک نتیجه دارند. لویس در سال ۱۹۸۳ با «سم بیت‌نیک» ازدواج نمود و حاصل زندگی مشترکشان دختری به نام «دانیلا سارا» متولد سال

را بازیگری تحسین‌برانگیز دانستند که روی تک‌تک حرکاتش تسلط کامل دارد و از این زاویه جری لویس را قابل قیاس با «هاوارد هاکس» و «آلفرد هیچکاک» می‌دانند. با وجود این که لویس دیگر در فیلم‌های کمدی ظاهر نمی‌شود، ولی هنوز هم مردم او را دوست دارند و حرف‌های بامزه‌ی او به صورت تکیه‌کلام‌هایی درآمده که در فرهنگ محاوره‌ی آمریکا جا باز کرده است.

امور خیریه و کارهای لویس

در سال ۱۹۵۲ جری لویس «بنیاد ضعف عضلانی» را تأسیس نمود و پس از آن در مناسبت‌های مختلف سعی کرد برای کمک به بیماران این بنیاد پول جمع کند. تلاش‌های او تا کنون سبب جمع‌آوری بیش از ۲ میلیارد دلار گشته که همه صرف مراقبت از بیماران عصبی - عضلانی و تحقیقات علمی درباره‌ی این بیماری شده است. در ابتدا مارتین و لویس در کنار هم این امر خیر را انجام می‌دادند ولی بعدها وقتی این دوازده‌یکدیگر جدا شدند لویس به تنهایی آن را ادامه داد. لویس از سال ۱۹۵۲ رئیس این بنیاد بوده است. در سال ۱۹۷۷ جری لویس تنها شخصیت سرشناسی بود که نامزد و برنده‌ی جایزه‌ی صلح نوبل شد و در سال ۱۹۸۵ نیز از طرف سازمان دفاع آمریکا به خاطر خدمات عمومی قابل توجهش نشان افتخار دریافت کرد.